



۱۵ جولای ۲۰۱۴



داکتر سید عبدالله کاظم

## بن بست انتخاباتی شکست، اما آینده هنوز تاریک است!

### حکومت متشکل از یک تیم کاری است!

گفته میشود که افغانستان متشکل از اقوام و زبانهای متعدد است و هیچ حکومت برمی نای «تک قومی» قادر به اداره کشور و حفظ امن و ثبات نمیباشد، لذا باید همه اقوام در ساختار حکومت شریک باشند و حکومت باید با «مشارکت» آنها تشکیل گردد. در اینجا اگر مقصد از رئیس دولت یا حکومت است که باید از یک قوم یا تبار مشخص باشد، این گزینه را اکنون انتخابات نفيه کرده و هریک واجد شرایط از هر قوم و تباری حق دارد خود را به آن مقام کاندید کند و میتواند با اخذ رأی اکثریت مطابق به قانون به آن جایگاه برسد. اما اگر مقصد از مشارکت همه اقوام در حکومت باشد، در اینصورت باید گفت که حکومت عبارت از یک تیم کاری است که برای تحقق یک «پلاتفورم» سیاسی مشخص باهم همکاری و متعهد در اجرای امور مربوطه میباشند. این پلاتفورم در جریان انتخابات بوسیله کاندید ها به مردم عرضه میگردد و مردم به طرفداری آن رأی میدهند. همچو پلاتفورم میتواند از طریق یک حزب سیاسی و یا از طریق یک تیم طرح و به مردم پیشکش شود و تیم در صورت موفقیت به اجرای آن در عمل به مردم تعهد می سپارد. در این راستا نخبه ترین شخصیت ها از هر قوم، تبار، مذهب و غیره میتوانند دور هم جمع شده و به حیث اشخاص عامل در ایفای تعهدات مندرج پلاتفورم مذکور عملاً در راس مقامات مختلف حکومت مسئولانه نقش بازی کنند.

در اینحال ما در طول تاریخ معاصر خویش شاهد این بوده ایم که ولو رئیس دولت روی تعاملی منسوب بیک قوم بوده، ولی حکومت او همیشه متشکل از مخلوطی از اقوام دیگر تشکیل شده و لذا آنچه را مدعیان حکومت «تک قومی» بیان میکنند، حقیقت نداشته است. همین حالا در انتخابات جاری همه شاهد هستیم که در هر دو تیم ترکیبی از اقوام مشاهده میرسد که روی اهداف مشخص دور هم آمده و تشکیل یک تیم سیاسی را داده اند. مثلاً در تیم اصلاحات و هم گرائی هم پشتون، هم هزاره و تاجک و از بیک باهم کنار آمده اند. در تیم تحول و تداوم به عین شکل ترکیبی از اقوام مختلف کشور را میتوان دید که باهم یک تیم سیاسی را شکل داده اند. اینکه انگیزه های اشتراک این شخصیت ها در هر تیم چه است و در پسایرده آن چه اهدافی نهفته میباشد - منافع قومی یا شخصی و یا دلایل دیگر - موضوع جداگانه است.

اکنون که موضوع تشکیل یک حکومت «وحدت ملی» بین دو جناح رقیب انتخاباتی مطرح شده است، مدعیان این اندیشه میکوشند به چنین حکومتی که اصلاً «مشارکتی» است، آنرا با نام «وحدت ملی» رنگ آمیزی کنند. اگر بدقت بررسی شود، واضح میگردد که این نوع حکومت در اساس بیشتر نمایانگر یک نوع «اتحاد جناحی» است تا مظهر یک حکومت وحدت ملی واقعی، زیرا وحدت ملی احساس هر فرد است که خود را منسوب به یک ملت میداند و نفع زیان آنرا، نفع و زیان خود می شمارد و در برابر آن احساس مسئولیت میکند. هرگاه این احساس ظریف در گرو منافع شخصی یا گروهی قرار گیرد و افراد منافع قومی، زبانی و یا مذهبی خود را بالاتر از منافع ملی بدانند، در آنصورت وحدت ملی مفهوم واقعی خود را از دست میدهد. متأسفانه در کشور ما کسانی که در زبان از وحدت ملی صحبت میکنند و در این راستا شعار های بلند و بالا را به زبان میرانند، ولی در عمل اتکای شان به «وحدت قومی و زبانی» است. این «دورویی» حقیقت تلخی است که کشور و مردم ما را در آستانه سقوط و تباهی قرار داده و مسئول این وضع یک عده قدرت طلبانی هستند که با طرح همچو مسائل یک تعداد مردم شریف ما را اغوا کرده و از موجودیت آنها به نفع خود در راه رسیدن بقدرت بهره برداری سوء مینمایند. آنها در زبان از دموکراسی سخن می رانند، اما در عمل راه حل مشکلات را در شیوه های عنعنوی قومی در جرگه های خصوصی بین چند نفر جستجو میکنند و به خود حق میدهند تا سرنوشت یک ملت را بجای راه حل های قانونی، از طریق مصلحت های شخصی و گروهی حل

د پائو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آن لائن په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنې دلیکنېزې بنې پاڼوالې د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

نمایند. در اینحال با تأسف که ملت به حیث ابزار و وسیله ای تبدیل گردیده و بدست چند خودخواه قدرت طلب افتاده است.

این وضع در جریان مبارزات انتخاباتی دور اول و دوم ریاست جمهوری امسال واضح گردید و همه شاهد بودیم که چگونه نقاب ها از چهره ها فرو افتاد و مردم به عمق فاجعه قدرت طلبی پی بردند و کشور به یک بن بست خطیر مواجه شد. نمونه آشکار همچو حالت را میتوان در جریان رویدادهای اخیر و در شعار دادن ها در مظاهرات و همچنان در وضع آشفته و نا به سامان یک هفته قبل در زیر خیمه لویه جرگه مشاهده کرد که همه عیان بود و در اینجا حاجت به بیان مکرر ندارد.

### تفاهم بین دو کاندید:

با پا درمیانی جان کری وزیر خارجه ایالات متحده امریکا یک قسمت معضله انتخابات ریاست جمهوری در رابطه با جدا ساختن آرای «پاک از ناپاک» در دور دوم یک راه حل عملی پیدا شد که برای مشروعیت اداره بعدی یک اقدام مفید محسوب میشود، ولی قسمت دیگر معضله که به نظر من مهمترین بخش آنست، هنوز هم در پرده ابهام قرار دارد. در اثر این پا درمیانی دو کاندید مطرح - داکتر اشرف غنی احمدزی و داکتر عبدالله عبدالله باهم موافقه کردند تا: برای شفافیت نتیجه انتخابات همه آرای ریخته شده در صندوق ها تحت نظارت نهاد های بین المللی با معیارهای معتبر جهانی درکابل مجدداً بازرسی گردند و برای اینکار تمام صندوق های رأی به وسیله نیروهای آیساف به مرکز انتقال داده شده و امنیت آن توسط نیروهای مشترک امنیتی افغان و آیساف گرفته شود؛ همچنان هر دو کاندید موافقه کردند تا نتایج بررسی ها را پذیرفته و بازنده انتخابات به برنده آن تبریک گوید و نیز از رئیس جمهور تقاضا گردید که تاریخ مراسم تحلیف را الی معلوم شدن نتایج نهائی که احتمالاً بروز پانزدهم سنبله خواهد بود، به تأخیر اندازد. موضوع مهم دیگر در این توافق همانا تشکیل یک حکومت «وحدت ملی» بعد از اعلام نتایج نهائی میباشد که درباره چگونگی و جزئیات آن از جانب دو کاندید در اعلامیه منتشره رسماً چیزی گفته نشده است.

خوشحالم از اینکه جان کری توانست دوطرف را در مورد بررسی مجدد همه آراء قناعت دهد و از ادامه آنچه که در هفته گذشته در خیمه لویه جرگه رخ داده بود و برمیبنای آن تشکیل یک حکومت موازی و اعلام ریاست جمهوری داکتر عبدالله با پاره کردن عکس رئیس جمهور بر حال کشور و نصب عکس داکتر عبدالله بجای آن توسط گماشتگان تیم «اصلاحات و هم گرایی» مطرح شد، جلوگیری گردید. خوشبختانه داکتر عبدالله بزودی متوجه شد که عده ای از حامیان او بیک ماجرا جوئی خطیر دست یازیده بودند که اگر وضع به همان منوال ادامه می یافت، به یقین که به موقف سیاسی موجود او چنان لطمه وارد می شد که دیگر میدان باختگی او نه تنها در نتیجه انتخابات، بلکه بطور کلی به حیث یک رهبر سیاسی ناعاقبت اندیش در اذهان عامه و در تاریخ رویداد های کشور به عنوان یک لکه سیاه ثبت میگردد.

در اینجا نمیخواهم درباره سؤالاتی بحث کنم که طی چند هفته قبل در ارتباط با «تقلب گسترده» و اتهامات وارده بر رئیس دارالانشای کمیسیون مستقل انتخابات و در مجموع بر هر دو نهاد مسئول انتخابات و نیز کشاندن پای رئیس جمهور کرزی در مهندسی این اوضاع مطرح گردید. این موضوع در چند هفته اخیر به خصوص در «میز گرد» های تلویزیونی از جانب ستاد های انتخاباتی هر دو طرف با ذهنیت سازی های منفی علیه یکدیگر و نیز برخورد طرفداران و مخالفان آنها در فیس بوک و توئیتر متأسفانه طوری انعکاس یافت که از یکطرف به باور مردم به انتخابات و دموکراسی صدمه رسانید و از طرف دیگر آنها را نگران وضع آینده کشور ساخت. امیدوارم به یک قسمت سؤال های مربوط به «تقلب» طی بررسی های مجدد آراء جواب گفته شود و معلوم گردد که تقلب تاچه حد «گسترده» بود و آیا این گستردگی میتواند بر مشروعیت انتخابات که تیم اصلاحات و هم گرایی بر آن تأکید میکرد، اثر داشته باشد و یا اینکه همه ادعا های مبنی بر تقلب گسترده جز بهانه گیری برای مغشوش ساختن اوضاع و استفاده های ضمنی از آن به هدف دستیابی در یک گوشه قدرت در حکومت چیزی بیش نبود؟

اکنون در اثر پا درمیانی جان کری طرفین موافقه کرده اند که پس از اعلام نتایج نهائی آنها حکومت «وحدت ملی» را تشکیل میدارند، ولی ترس من از آنست که بر آوردن این هدف در همچو مقطع حساس بار دیگر وضع را به یک بن

بست جدید توأم با جدالها و تنش های مزید مواجه سازد، زیرا در تشکیل همچو حکومت سؤال های جدی وجود دارد که در این نوشته میخوام توجه را به برخی از مسائل آن جلب دارم:

### حکومت «وحدت ملی» یعنی چی؟

به این اساس باید ما ترکیب حکومت بعدی را نه بنام حکومت «وحدت ملی»، بلکه بهتر است آنرا یک حکومت «مشارکتی از دو جناح رقیب» یا «اشتراک اپوزسیون در تشکیل حکومت» یاد کنیم. در همین ارتباط سخنگوی تیم اصلاحات و هم آهنگی سید آقا سنچاری به گزارشگر طلوع نیوز گفت: «حکومت وحدت ملی را میتوان حکومت مشارکتی نام گذاشت... و ما حکومت مشارکتی را می پذیریم». او طی یک مصاحبه دیگر با رادیو آزادی توضیح کرد که: «هدف از حکومت وحدت ملی همین است که به یک شکلی مشارکت صورت گیرد و ظرفیت های موجود سیاسی افغانستان در قالب یک حکومت واحد جایجا شوند، حکومت ائتلافی نیست و حکومتی خواهد بود که مبتنی به برنامه کاندید پیروز است و طبعاً از تجارب نیروهای سیاسی تیم دیگر استفاده صورت میگیرد».

در این حال سخنگوی ستاد انتخاباتی دکتر اشرف غنی خانم ازینا رفعت می گوید: «نامزدی که نتواند بیشترین آرای مردم را به خود اختصاص دهد، حق دارد با استفاده از راه های قانونی در نظام آینده کشور شرکت کند» و حمیدالله فاروقی سخنگوی ارشد تیم تحول و تداوم میگوید که: «حکومت وحدت ملی از یکطرف نگرانی های هردو تیم را رفع میکند که آنها در صورتیکه برنده نشوند و رأی اکثریت مردم را نداشته باشند، طبعاً این اندیشه و نگرانی در نزدشان وجود دارد که به حاشیه کشانده میشوند و دیگر اینکه این مسأله در واقع زمینه پذیرش نتایج انتخابات را نیز اسان می سازد و از طریق حکومت وحدت ملی این آرزومندی را برآورده می سازد».

اما بعضی از آگاهان مسائل حقوقی می گویند که ایجاد حکومت وحدت ملی در واقع مفهوم ایجاد یک حکومت ائتلافی را افاده میکند، چنانکه نصرالله ستانکزی یکی از این آگاهان اذعان میدارد که: «اساساً حکومت وحدت ملی در دولت های به میان می آید که پس از جنگ ها و بحران های قومی این حکومت تشکیل میشود... کاربرد کلمه وحدت ملی در اینجا هیچ جا ندارد، میتوانیم بگوئیم که حکومت ائتلافی که منظور آن تأمین بیشتر وحدت ملی است که به وجود می آید، نامش را هرچه می گذارند، از نظر علوم سیاسی چنین تشکیل حکومت ائتلافی است». (گزارش راتب نوری، تحت عنوان «ایجاد حکومت وحدت ملی چی معنی دارد، منتشره طلوع نیوز، مورخ ۲۲ سرطان ۱۳۹۳ - ۱۳ جولای ۲۰۱۴ و گزارش فریبا واحدی - تفاوت بین حکومت وحدت ملی و حکومت ائتلافی؟، منتشر رادی آزادی، مورخ ۲۲ جولای ۲۰۱۴)

محمد محقق معاون دوم دکتر عبدالله عبدالله طی یک مصاحبه با بی بی سی (۲۲ جولای ۲۰۱۴) در زمینه وضاحت بیشتر داد و گفت: «در حکومت وحدت ملی برنده انتخابات رئیس جمهور و بازنده رئیس شورای اجرائی خواهد شد... و به این اساس تا دو سال دیگر و با ایجاد تعدیل در قانون اساسی، پست ریاست اجرائی به پست صدراعظمی تبدیل خواهد شد»، اما فیض الله ذکی سخنگوی ستاد اشرف غنی احمدزی می گوید که: «نامزد بازنده بجای اینکه مثل کشورهای دیگر بیرون از حکومت بماند و اپوزسیون و منتقد حکومت را بعهده بگیرد، سهیم و شریک در قدرت میشود».

### عمده ترین مشکل آینده در کجا است؟

با آنکه قول معروف است که: «اجتماع نقیضین محال است»، و اما دیده شود که سرنوشت حکومت «وحدت ملی» در این راستا به کجا خواهد کشید. واضح است که راه دادن جناح رقیب در داخل حکومت زیر هر نام که باشد، چندین مشکل عمده را بار می آورد که احتمالاً در آینده نه چندان دور موجب بروز یک بحران سیاسی دیگر در کشور خواهد شد. اینکه گفته شده که حکومت وحدت ملی، حکومتی خواهد بود که مبتنی به برنامه کاندید پیروز که از تجارب نیروهای سیاسی تیم دیگر استفاده صورت میگیرد، منطقاً معنی میدهد که تیم بازنده باید از اجندای خود منصرف گردد و در راه تطبیق برنامه کاندید پیروز که در مسند ریاست جمهوری قرار دارد، مساعی به خرج دهد، به عبارت دیگر تیم بازنده آنچه را در مبارزات انتخاباتی به حیث یک جناح سیاسی مطرح کرده بود، از آن انصراف کرده و خود را عملاً باید به تیم کاندید پیروز مدغم سازند و از میان آنها اگر یکی در مسند ریاست اجرائی قرار میگیرد، در تشکیل کابینه و اداره امور باید یکسره گوش به فرمان رئیس جمهور فرا دهد و از او اطاعت نماید.

د پانو شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

در اینجا سؤال میشود که آیا دیگر مؤتلفان سیاسی جناح بازنده حاضر خواهند بود در چنین موقفی قرار گیرند و یا اینکه در بسا موارد صدای اعتراض را بلند خواهند کرد؟ در داخل مؤتلفان تیم بازنده کسانی و گروه های وجود دارند که قبول چنین موقف برای شان دشوار و حتی ناممکن است و دیر یا زود این وضع موجب تنش و برخورد بین شخصیت ها و گروه های مؤتلف تیم بازنده که در حکومت خود را «شریک السلطنه» میدانند، به وجود خواهد آمد و این تنش ها موقف رئیس «اجرائی» را در برابر رئیس جمهور به مشکل مواجه می سازد، طوریکه رئیس اجرائی را به اصطلاح بین دو سنگ آسیاب قرار میدهد که منتج به برهم خوردن روابط بین آنها شده و از این طریق کشور بسوی یک بحران جدی تر کشانیده خواهد شد.

طوریکه معلوم است در اجندای کاری تیم اصلاحات و هم گرائی تعدیل نظام ریاستی به پارلمانی و نیز استقلال عمل بیشتر برای والیها از جمله مسائلی است که با اجندای تیم تحول و تداوم فرق دارد. آیا دو تیم میتوانند در این زمینه یک راه حل وسطی را دریابند و آیا همه مؤتلفان هر دو تیم باهم در این مورد توافق خواهند کرد؟ اینها معضلات اساسی اند که امکانات موفقیت حکومت گویا «وحدت ملی» را در عمل زیر سؤال می برند و آینده ای چندان مطمئن را بروز نمیدهند. با این ترتیب دیده میشود که تشکیل حکومت وحدت ملی حیثیت یک دواى مسکن را دارد که موقتاً موجب تسکین اوضاع خواهد شد و اما درد اصلی را مداوا نمیکند و حل معضله را با شدت بیشتر موقوف به آینده می سازد. در همین حال گزارشی که در ستون «نظر سنجی ها» پیرامون انتخابات ۱۳۹۳ در پورتال افغان جرمن آنلاین به نشر رسیده است، میتواند سرآغاز این مشکل جدید باشد. در گزارش آمده است:

«روزی که هر دو کاندید به حضور جان کری و یان کوبیش در سفارت امریکا حضور یافتند، داکتر عبدالله را هفت تن همراهی می کردند ولی در جلسه که در پشت درهای بسته جریان داشت، صرف عبدالله و اشرف غنی حضور داشتند. وقتی که جان کری طرح خویش را برای کاندیدان ارائه کرد، موضوع اصلی این بود که برنده انتخابات باید برای طرف مقابل ریاست اجراییه را قائل شود و الی دو سال این کرسی به صدارت تغییر داده شود (مقصد ازین صدارت حکومت پارلمانی نیست). داکتر اشرف غنی [موضوع] را تأیید می کند، داکتر عبدالله اجازه می خواهد تا با هفت تن از تصمیم گیران همراهش مشوره کند و اتاق جلسه را ترک می گوید. این هفت تن عبارت از گل آغا شیرزی، محقق، محمد خان، میرویس یاسینی، شهرانی، ربانی و حبیبه سرابی می باشند. با محض اینکه موضوع را عبدالله مطرح می سازد، از جانب محقق، ربانی و محمد خان به شدت رد می شود و ظاهراً دلیلش را می گویند "ما به امریکا اعتماد کرده نمی توانیم". داکتر عبدالله از شیرزی خواهان رأی اش درین خصوص میشود، شیرزی می گوید طرفدار خون شدن بینی کسی هم نیست و با آن مخالفت خواهد کرد، درین زمان حبیبه سرابی، یاسینی، شهرانی که در نزدیکی شان در صحن سفارت قرار داشتند، هم از نظر شیرزی حمایت شان را اعلام می کنند و داکتر عبدالله تصمیم منطقی می گیرد و طرح جان کری را می پذیرد. اکنون درز بزرگ بین عبدالله و یک تعداد در تیشم ایجاد شده است. مشکل مشابه در تیم اشرف غنی هم وجود دارد که در آینده شاهد انکشافات جدید در این ارتباط خواهیم بود».

(ادامه دارد)